

طلاق عاطفی

محمد حسن فاطمی راد

محمد بنی حسن



نشر و انیا

- سرشناسه : فاطمه راد، محمدحسن، ۱۳۵۸ -
- عنوان و نام پدیدآور : طلا، عاطف / محمدحسن فاطمی راد، محمد بنی حسن.
- مشخصات نشر : تهران: و، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص.
- شابک : ۹۶۱-۶۰۰-۶۵۶۴-۷۵-۳
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۰۳- [۱۰۷].
- موضوع : زناشویی -- ارتباط -- جنبه‌های روان‌شناختی
- موضوع : زناشویی -- اختلاف
- موضوع : زناشویی -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
- شناسه افزوده : بنی‌حسن، محمد، ۱۳۶۲ -
- رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۵ ط۸۲۲ف/ HQ۷۴۳
- رده‌بندی دیویی : ۶۴۶/۷۸
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۱۸۳۰۴



تشرواتیا

صلاق، عاطفی

نویسندگان: محمد حسن فاضلی راد - محمد بنی حسن

شابخ: ۳-۷-۶۵۴۴-۶۰۰-۹۷۸

شماره خان: ۱۰۰

نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۹۵

قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال

نشر وانیا: خیابان جمهوری خیابان منیری جاوید شماره ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۱۶۴۳-۶۶۹۱۵۳۱۱-۶۶۹۱۸۶۶۵۵۸-۰۹۱۲۱۸۶۶۵۵۸

مرکز پخش: خیابان شهید مدنی، خیابان وحیدیه، میدان تسلیحات، کوچه

مسجد جامع فاطمیه غربی، روبروی مسجد، ساختمان پزشکان فاطمیا، طبقه سوم

تلفن ۷۷۲۵۷۵۱۷-۰۹۱۲۵۵۸۰۱۰۳

مرکز رصد روان شناسی اسلامی

فروش اینترنتی www.ketab.ir



فهرست

۷	مقدمه
۱۱	تعریف طلاق
۱۵	فروپاشی زندگی زناشویی
۲۰	تعیین معیارها و قضاوت دربارهٔ همسر
۲۱	نقش مالی و سبب طلاق
۲۳	انتهای تفاوت از نقش زن و شوهر در خانواده
۲۳	زمینه‌های اختلاف
۲۸	ابعاد مختلف سبب ناشی از طلاق
۳۲	آسیب روی فرزندان
۳۳	تعاریف طلاق روانی یا عاطفی
۳۵	طلاق عاطفی زیربنای دیگر طلاق‌ها
۳۶	طلاق عاطفی پایان ازدواج عاشقانه
۳۷	شیوه‌های ارتباطی خانواده
۵۰	مشکلات ارتباطی رایج در بین زوجین
۵۲	پیامدهای مشکلات ارتباطی در بین زوج‌ها
۵۴	تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای ارتباطی
۵۵	برخی نظریات در زمینهٔ روابط و طلاق عاطفی
۵۸	نظریه شبکه
۵۹	نظریه گاتمن
۶۴	نظریه سیستمی کیفیت زناشویی مارکز
۶۵	مشکلات اقتصادی
۶۶	نظریه کارکردگرایی

- نظریه مارکس ۶۷
- نظریه همسان همسری ۶۸
- نظریه طلاق روانی کسلر ۶۹
- نظریه مبادله اجتماعی ۷۵
- نظریه نظم خرد چلبی ۷۶
- نظریه مثلث عشق استرنبرگ ۸۲
- دلیل طلاق عاطفی: اجتماعی یا فردی ۸۳
- تفاوت با و اشتباهات فردی ۸۹
- رضایت نسبی ۹۱
- ویژگی‌های شخصیتی ۹۶
- آیا طلاق عاطفی رخ می‌دهد؟ ۹۸
- علائم هشدار طلاق عاطفی ۹۹
- درصد طلاق عاطفی در ایران ۱۰۲
- منابع فارسی ۱۰۳
- منابع لاتین ۱۰۶

مقدمه:

خوشبختانه، اکثر صاحب نظران امروزی معتقدند که با این همه دستاورد علمی که در زمینه فرایندهای ارتباطی زوج و عوامل مؤثر در سلامت یا عدم سلامت رابطه زوجین وجود دارد؛ تا حد زیادی می توان یک ازدواج موفق یا ناموفق را پیش بینی کرد. یک شاخص ارزشمند، که می توان بر اساس آن آیند یک ازدواج را پیش بینی کرد، کیفیت ارتباط پیش از ازدواج است. به زبان ساده تر، رفتار دو نفر پیش از ازدواج، شاخص خوبی است که پیش بینی کنیم، بعد از ازدواج این دو چگونه باهم برخورد می کنند.

یک مثال اساسی که این دو نفر می توانند خودشان بپرسند این است: در این مدت که با هم بگریم می شناسیم چه نسبتی از زمان باهم بودن را صرف رابطه مثبت و آرامش بخش و چه مدت را صرف رابطه منفی و تنش زا کرده ایم؟

خانواده به عنوان مهم ترین نهاد موجود در جامعه همواره در طول تاریخ با آسیب های مختلفی مواجه بوده که مسئله طلاق بزرگ ترین معضل این نهاد اجتماعی محسوب می شود. طلاق در اصل به معنای جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی است (فرهنگ معبد). قطع روابط بین انسان ها در همه اعصار وجود داشته است، هر جا رابطاتی هست امکان قطع آن نیز وجود دارد. طلاق شیوه های نهادی شده در پاسخ دادن به پیوند زناشویی است. به زعم ویلیام گود "هر نظام خانوادگی در خود سازوکار (مکانیسم) فرار از آن را نیز جای داده و این بدین جهت است که افراد بتوانند از فشارهای نظام جان سالم به دربرند؛ یکی از این راه ها طلاق است". طلاق واقعه نیست بلکه فرآیندی است که طی سال یا سالیان متمادی بین زن و شوهر شکل می گیرد و با رسیدن به مرحله حاد ظاهر می شود.

طلاق از نظر لغوی، به معنای رها شدن است و در اصطلاح زندگی امروزی، عبارت است از خاتمه دادن به زندگی مشترک زوجین. در طلاق عاطفی، زن و شوهر بدون اینکه به طور رسمی از هم جدا شوند، عواطف خود را از هم دریغ کرده و روی از هم برمی‌تابند زیرا دیگر اعتماد و احساسی بی‌نشان نمی‌ماند. زن و مرد با اینکه در یک‌خانه و زیر یک سقف زندگی می‌کنند، باهم غذا می‌خورند، باهم کار می‌کنند، باهم به مسافرت می‌روند... اما در اصل، دو انسان بیگانه و بی‌تفاوت و بی‌احساس نسبت به هم هستند و سر و دامشان به مسائل و امور زندگی خود گرم می‌شود.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان طلاق را به دو نوع ۱ - طلاق رسمی، ۲ - طلاق عاطفی (خارجی) تفکیک کرد. در طلاق رسمی زن و مرد با مراجعه به دادگاه به طور قانونی از یکدیگر جدا شده و هیچ تعهدی نسبت به هم ندارند اما طلاق عاطفی به گونه‌ای دیگر در زندگی زوج به وجود می‌آید و موجب از هم پاشیدگی عاطفه می‌شود. در این نوع خانواده‌ها زن و مرد در زیر یک سقف زندگی می‌کنند ولی هیچ رابطه احساسی میان آن‌ها وجود ندارد. عدم شناخت زوجین از دلایل تفاوت‌های فرهنگی موجود میان خانواده‌ها، دخالت دیگران و بسیاری مسائل دیگر، سردی روابط زوجین را فراهم می‌آورد؛ اما شاید بتوان گفت مشکلات اساسی و تفاوت سلیقه‌ای در این امر از مهم‌ترین مشکلاتی است که برای یک زن و شوهر پدید می‌آید ولی در مطالعات جامعه‌شناسی کمتر مورد بحث قرار گرفته است.

با وجود اینکه بیشتر ازدواج‌ها با عشق و علاقه و محبت طرفین صورت می‌گیرد، اما گاهی زن و مرد با تمام تلاشی که در جهت انجام دقیق وظایف خود دارند، به مرور زمان، عشق و علاقه‌ی بی‌نشان کم‌رنگ‌تر شده و به طور کامل محو می‌شود و همسران بدون هیچ‌گونه احساس و عاطفه‌ای نسبت به هم به طور کامل جدای از هم به زندگی خود ادامه می‌دهند. به این نوع جدایی، اصطلاحاتی مانند طلاق عاطفی، طلاق روحی و روانی، طلاق

خاموش یا زندگی زناشویی خاموش اطلاق می‌شود. با همه‌ی سعی و تلاش همسران برای نرسیدن به مرحله‌ی جدایی، بسیاری از ازدواج‌ها، منجر به طلاق عاطفی می‌شود.

کتاب جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران نگارش احمد بخارایی تنها کتاب منتشرشده در این زمینه است که از یکسو به‌طور خلاصه به این امر پرداخته ولی بخارایی به دلیل مبنا قرار دادن نظریات جامعه‌شناسی غربی تا اندازه‌ای از واقعیت جامعه ایرانی دور شده است. جامعه ایرانی جاهل، در حال گذار است، دوران گذار از پیامدهای ورود مدرنیته به جوامع مختلف است؛ در نتیجه تقابل میان ارزش‌های سنتی و مدرن با شدت بیشتری دیده می‌آید و زمانی که این تقابل به تعامل تبدیل شود شاهد کاهش هرچه بیشتر طلاق عاطفی هستیم. ولی هم‌اکنون نیز طلاق عاطفی به سبب اینکه خانواده از ویرانگ سنتی فاصله گرفته و خود را ملزم به تحمل یک زندگی اجباری بدو، عذقه نمی‌کنند و از سوی دیگر با افزایش حقوق زنان در جامعه و در نتیجه شش ترس از آینده مبهم با فراهم شدن امکان تحصیل و کسب درآمد موجب کاهش یافتن طلاق عاطفی شده و همچنین کاهش یافتن ازدواج‌های فامیلی نیز در کاهش طلاق عاطفی مؤثر است چراکه در این نوع زندگی‌ها زوجین به خاطر خانواده‌های خود اجبار بیشتری برای ادامه زندگی دارند.

طلاق عاطفی که بیانگر رابطه‌ی زناشویی است که رویه‌روا است، تنش فرآیند میان زن و شوهر است که معمولاً به جدایی می‌انجامد. دیدن طلاق عاطفی پدیده‌ای چندعاملی است بدین‌سان که هرگز یک عامل علت‌یابی نمی‌تواند موجبات پیدایش آن را فراهم کند. در عرف می‌گویند، فلان خانواده فقط به خاطر فلان علت از هم پاشید، در اصل این افراد جرقه‌ها را از عوامل باز نمی‌شناسد.

هر طلاق عاطفی، از دیدگاه علی در نوع خود بی‌نظیر است زیرا یک زن و شوهر با توجه به شخصیت خاص هر یک از آنان، خانواده منشأ، نوع همسرگزینی، منش و خلق‌وخوی هر یک، رابطه خاص منحصریه‌فرد و بی‌نظیر فراهم می‌آورد که قطع این رابطه نیز با پیوند عوامل خاص و شبکه‌ای منحصریه‌فرد از عوامل صورت‌پذیر است. از این‌رو است که بسیاری چون مطالعه‌ی موردی، زندگینامه‌ی فردی، مهم‌ترین و دقیق‌ترین شیوه‌ها در راه شناسایی همه‌ی ابعاد و عوامل طلاق به حساب می‌آیند.

طلاق عاطفی معلول عوامل متعدد و پیچیده حیاتی و روانی و اجتماعی است. دلالت عمده آنند، هر پدیده‌ای نامطلوب اجتماعی مولود چند عامل است که بعضاً بر آن باریشه‌ای اجتماعی و فرهنگی و محیطی و برخی دیگر به صورت بنیادهای مؤثر از نارسایی‌های بیولوژیک و یا کمبود روانی جلوه‌گر می‌شود. طلاق عاطفی مربوط به خانواده‌هایی است که به علت مسائل سنتی و عرفی، نگرش‌ها، نفع‌جامعه نسبت به زنان مطلقه، نگرانی از تنهایی، ترس از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی تصمیم می‌گیرند که به اجبار زیر یک سقف زندگی کنند. در چنین اوضاع نابسامانی، زن انزوای طلبی اختیار کرده و خود را از زندگی نمی‌داند و تنها به دلیل شرایط اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی به زندگی ادامه می‌دهد.

هم‌اتاقی در طلاق عاطفی سکوت و بی‌تفاوتی فزاینده را بر می‌کند و را می‌گیرد. حرفی برای گفتن و شوری برای ادامه زندگی و مسکن جای نیست اما شاید باورهای غلط فرهنگی، فشارهای اقتصادی و ترس از تنها ماندن، انسان را در جریان زندگی وادار به ادامه می‌کند؛ این همان طلاق عاطفی است.